



همدردی رئیس جمهوری با مردم سیل زده:

دولت تا ساماندهی نهایی در کنار مردم سیل زده خواهد بود

گروه سیاست: رئیس‌جمهور شب گذشته در پیامی با تسلیت و ابراز همدردی با مردم استان‌های سیل‌زده آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل، به‌ویژه خانواده‌های جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان، اطمینان داد دولت تا ساماندهی نهایی، رسیدگی مطلوب...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۶ | ۲۰ رجب ۱۴۳۸ | ۱۸ آوریل ۲۰۱۷



جهانگیری خواستار شد

ورود مشروط نیروهای مسلح به طرح‌های اقتصادی

گروه اقتصاد: بحث داغ دیروز ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، بر سر حضور نیروهای مسلح و نهادهای عمومی و غیردولتی در طرح‌های اقتصادی بود. رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در این نشست، بر تدوین دستورالعمل لازم...

صفحه ۴



سال چهاردهم | شماره ۲۸۴۲ | ۲۰ صفحه | ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

ارتش و انقلاب

محمود علیرزاده طباطبایی



تشکیل ارتش نوین ایران ضرورتی تاریخی بود برای جلوگیری از نفوذ بلشویک‌ها که در ۱۹۱۷ در اتحاد جماهیر شوروی به قدرت رسیده بودند. قرارداد ۱۹۱۹ کاکس- وثوق الدوله بیانگر نگرانی‌های دولت بریتانیاست. ایجاد ارتش در واقع ضرورتی برای جلوگیری از جنبش‌های انقلابی و آزادی‌خواهانه‌ای بود که می‌خواستند انقلاب مشروطه را احیا کنند و ارتش نوین ایران مانع نفوذ سیاسی- نظامی اتحاد جماهیر شوروی در ایران و مدافع منافع استراتژیک انگلستان بود. دولت انگلستان خواهان ارتشی مقتدر در ایران به‌عنوان حائلی بین روسیه و هندوستان بود. ژاندارمری دولتی تلاشی بود که از سوی مجلس دوم برای حمایت از مجلس تشکیل شده بود و بریگاد قزاق متشکل از انقلابیون قفقاز بود که تحت رهبری یغرم‌خان ارمنی ایجاد شده بود. ولی با به‌توپ‌بستن و انحلال مجلس در سال ۱۲۸۷ شمسی در مقابل خواست مردم قرار گرفت. دولت انگلیس برای اهداف فوق با انتخاب رضاخان میرنچ که از فرماندهان بریگاد قزاق بود، اقدام به تشکیل ارتش نوین ایران کرد. رضاخان با سرکوب شورش‌های محلی نظامیان را بر مقامات کشوری مسلط کرد. ارتش در قالب ایجاد نظم و امنیت در واقع با خشونت تمام ایلات و عشایر را قتل‌عام کرد. با تجاوز متفقین در شهریور ۱۳۲۰ ارتش نتوانست کوچک‌ترین مقاومتی از خود نشان دهد. در دوران حکومت پهلوی دوم مأموریت ارتش همچنان سرکوب هر نوع مقاومت داخلی و دفاع از منافع بیگانگان به‌خصوص غربی‌ها و مقابله با حرکات نیروهای کمونیست و همسایه شمالی بود. ارتش ایران در سرکوب چریک‌های کمونیست در ظفار از خود چنان اقتداری نشان داد که هنوز حکومت عمان خود را مدیون ارتش ایران می‌داند. سازماندهی نظامی و استراتژی دفاعی ارتش نیز هماهنگ با ارتش‌های مقتدر منطقه یعنی ارتش پاکستان و ارتش ترکیه تدوین شده بود و مقتدرترین نیروی هوایی متشکل از بیش از ۵۰۰ فروند هواپیمای شکاری و بمبافکی و هوانیروزی مقتدر، بخشی از استراتژی نظامی، برای مقابله با قدرت نظامی شوروی بود و به همین دلیل نیروهای چپ که درون ارتش هم در دوران ضعف پادشاه (۱۳۲۰-۱۳۳۰) نفوذ کرده و سازمان افسران حزب توده را تشکیل داده بودند، مورد غضب شاه قرار داشتند و به شدیدترین وجهی بعد از کودتای ۲۸ مرداد با آنها برخورد شد. با ایجاد فضای باز سیاسی در سال ۱۳۵۶ اگرچه نیروهای چپ اعم از توده‌ای‌ها و مجاهدین خلق برای ایجاد درگیری مسلحانه تلاش و تصور می‌کردند تنها راه رهایی ملت، مقابله مسلحانه با ارتش است، ولی امام در نقطه مقابل، استراتژی دیگری داشت. امام در اعلامیه‌ای که به مناسبت چهل‌م شهدای فیضیه منتشر شد، اعلام کرد: «جوانان ما به سربازخانه بروند و سربازان را تربیت کنند... بگذار در بین سربازان افراد روشن‌ضمیر و آزادمنش باشند تا بلکه به خواست خداوند متعال، ایران به سربلندی و آزادی نائل شود؛ ما می‌دانیم که صاحب‌منصبان ارتش معظم ایران، درجه‌داران، افراد نجیب ارتش با ما در این مقصد همراه و برای سرفرازی ایران فداکار هستند. من می‌دانم درجه‌داران باوجدان، راضی به این جنایات و وحشی‌گری‌ها نیستند... من برای نجات اسلام و ایران به آنها دست برادری می‌دهم. من می‌دانم قلب آنها از تسلیم در برابر اسرائیل مضطرب است... من به سران ممالک اسلامی و دُول غربی و غیرعربی اعلام می‌کنم... ارتش نجیب ایران با دُول اسلامی برادر است.»

ادامه در صفحه ۱۸

توکلی به شورای نگهبان نامه نوشت

۸ دلیل برای

رد صلاحیت احمدی‌نژاد

صفحه ۳

عکس: سید روح‌الله موسوی، مهر

یادداشت

ویزیت بیماران و «کا»ی کیفیت

یک مشاوره است و باید پاسخ داده شود یا بیمار خودش خواسته یک متخصص او را ببیند؟ باز هم فرقی نمی‌کند! آیا در پایان این ویزیت باید به درخواست بیمار یا هر دلیل دیگری گزارشی کتبی از معاینات و تشخیص پزشک تهیه شود یا فقط ویزیت کفایت می‌کند؟ باز هم فرقی در نرخ ویزیت وجود ندارد! آیا پزشک باید به دلایل پزشکی حقوقی یا تحقیقاتی (برای مثال در بیمارستان آموزشی) یک فرم مفصل پر کند یا خیر؟ هیچ‌کدام هیچ تغییری در ارزیابی و نظارت بر آن نیست. حالا نیز همین نگرش بر کار پزشکی ما حکم می‌راند. برای یک ویزیت یا ملاقات ساده با پزشک متخصص طبق «کا»ی فعلی، شما باید مبلغی کمتر از ۴۰ هزار تومان بپردازید، بر این تعرفه به‌شدت نظارت می‌شود. بسیاری از استادان برجسته به‌خاطر چند هزار تومان بالا و پایین‌بارها و بارها هتک حیثیت شده‌اند. اینکه این مبلغ را به یک متخصص می‌پردازید که یک بیماری پوستی رایج را درمان می‌کند یا یک متخصص قلب که می‌خواهد درباره جراحی قلب شما تصمیم بگیرد، فرقی نمی‌کند؛ تعرفه همان است. آیا این ویزیت برای اولین‌بار و برای بررسی یک بیماری پیچیده با پرونده‌ای طولانی و معایناتی دشوار پرداخت می‌شود یا در شرایطی که بیمار مبتلا به صرع، دارویش تمام شده و باید دارو در دفترچه نوشته شود؟ باز هم فرقی نمی‌کند؛ مرغ یک یا دارد. آیا متخصصی شناخته‌شده با سال‌ها تجربه در یک بیماری خاص این ویزیت را انجام داده یا فقط یک متخصص؟ باز هم فرقی نمی‌کند. آیا این ویزیت به درخواست یک متخصص دیگر انجام شده؛ یعنی

بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی



ادامه در صفحه ۲

یادداشت

فرهنگ شهری در آتش «پلاسکو»

سال‌های گذشته با سهل‌انگاری و گاه بی‌اطلاعی ساده از حق انتخابمان گذشته‌ایم و سرنوشت شهرمان را به دست کسانی سپرده‌ایم که امروز منتقدشان هستیم. ورزش و ورزشکار، هنر و هنرمند همه و همه از اهمیت بالایی برخوردارند ولی آیا شورای شهر که همان مجلس یا پارلمان شهری است، جای ورزشکار و هنرمند است یا جای مدیر ورزشی و مدیر فرهنگی؟ شورای شهر که نقش تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کلان در مدیریت شهری را دارد نیازمند همه تخصص‌هاست، نیازمند متخصصان مدیریت شهری، ترافیک، محیط زیست، اقتصاد و فضای سبز، سلامت و متخصصان اجتماعی، فرهنگی و هنری. اما حضور چهار قهرمان ورزشی در شورا چه ضرورتی دارد؛ کسانی که با احترام به ارزش ورزشی ایشان، تخصصی در حوزه‌ای جز ورزش تخصصی خود ندارند و بعضاً از بدیهی‌ترین مسائل مدیریت شهری آگاه نیستند. آیا جز این است که ما یا در تعیین ایشان و اساساً تعیین کل اعضا شورا نقشی نداشته‌ایم یعنی در انتخابات شوراها رای به صندوق نینداخته‌ایم یا از روی سهل‌انگاری و بی‌مسئولانه صرفاً به چند چهره رای داده‌ایم یا با غفلت از اهمیت موضوع با شرکت‌نکردن در انتخابات فرصت را از کف داده‌ایم. بعد از آتش پلاسکو که آتش بر جان همه زد باز هم رفتارها احساسی‌تر از قبل شده. حالا نباید از آن‌ور بام بیفتیم و همه تقصیرها را گردن همین عده معدود چهار، پنج نفر ورزشکار و هنرمند بیندازیم. چرا از دیگر اعضای شورا راجع به مشکلات عدیده شهری سؤال نمی‌کنیم؟

سیدعباس سجادی
مدیر فرهنگی



ادامه در صفحه ۴

تنترها

نامه ۱۹ اصلاح طلب به عارف درباره نامزدهای شورا

صفحه ۳

طلایی: بندگان برخی اعضای شورا به شهرداری وصل است

صفحه ۱۷

گزارش «شرق» از دلایل دادستانی برای لغو سخنرانی

احتمال حمله به سخنرانی مطهری بود

صفحه ۲

گفت‌وگو با مقصود فرستخواه اهمیت پروژه «نو شریعتی»



صفحه ۱۲

حرف اول

«نفت سیرتی» ایرانی

سیدکامران باقری
مشاور مدیریت نوآوری



چند روز پیش، از مجتمع فرهنگی و هنری «دیدنی» در ایزدشهر مازندران دیدن کردم. به محض ورود به این مجتمع، با منظره‌ای روبه‌رو شدم که انتظار آن را نداشتم. در برابرم مجسمه‌ای بود به‌غایت هنرمندانه و پرمعنا. مجسمه ساخته هنرمند جوانی به نام «علیرضا معصومی» بود. بیشتر دقت کردم تا نام اثر را بیابم. در پلاک نصب‌شده در کنار پایه مجسمه نوشته شده بود: «بدون عنوان». به راستی چگونه می‌توان عنوانی درخور برای اثری این‌چنین انتخاب کرد؟ سال‌هاست درباره اثرات عمیق نفت بر رفتار و فرهنگ ایرانیان گفته‌ام اما احساس کردم این مجسمه بسیار بهتر از کلمات حق معنا را داد می‌کند. با خودم گفتم اگر کاش می‌توانستم مدلی کوچک از این مجسمه را در کلاس‌هایم داشته باشم چراکه به انتقال و درک بهتر نکات مطرح‌شده در باب تأثیرات بلندمدت نفت بر رفتار ایرانیان کمک می‌کند. مجسمه «بدون عنوان» آینه‌ای تمام‌قد از وضعیت یک ملت است. ملتی که زمین‌گیر نفت شده است و نای دودین و رقابت که هیچ، یاری ایستادن هم ندارد. دقت بفرمایید که اینجای مرادم از نفت، خود نفت نیست. نفت برای ملت ایران صرفاً یک منبع طبیعی یا یک کالای تجاری قابل استخراج و فروش نیست. صدواندی سال حضور پرنگ نفت در زندگی ایرانیان، باعث شکل‌گیری و نفوذ نوعی فرهنگ نفتی در تاروپود جامعه شده است.

ادامه در صفحه ۴

ضمیمه رایگان امروز روزنامه شرق

ویژه استان کردستان

از روزنامه فروشی‌ها بخواهید

شرق

تحویل روزنامه در منزل
یا محل کار شما بدون هزینه ارسال

رجوع به صفحه ۱۷

خبر به وقت شرق



به تلگرام شرق پیوندید

@sharghdaily